



- 1 و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اوّل و زمین اوّل درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد.
- 2 و شهر مقدّس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است.
- 3 و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می‌گفت، اینک، خیمهٔ خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قومهای او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود.
- 4 و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اوّل درگذشت.
- 5 و آن تختنشین گفت، الحال همه چیز را نو می‌سازم. و گفت، بنویس، زیرا که این کلام امین و راست است.
- 6 باز مرا گفت، تمام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد.
- 7 و هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود.
- 8 لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت‌پرستان و جمیع دروغ‌گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته‌شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.
- 9 و یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پُر از هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت، بیا تا عروس منکوحه برّه را به تو نشان دهم.
- 10 آنگاه مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدّس اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود،
- 11 و جلال خدا را دارد و نورش مانند جواهر گرانبها، چون یشم بلورین.
- 12 و دیواری بزرگ و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه‌ها دوازده فرشته و اسمها بر ایشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی‌اسرائیل باشد.
- 13 از مشرق سه دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه و از مغرب سه دروازه.
- 14 و دیوار شهر دوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول برّه است.
- 15 و آن کس که با من تکلم می‌کرد، نی طلا داشت تا شهر و دروازه‌هایش و دیوارش را ببیناید.
- 16 و شهر مربع است که طول و عرضش مساوی است و شهر را به آن نی پیموده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و عرض و بلندیش برابر است.
- 17 و دیوارش را صد و چهل و چهار ذراع پیمود، موافق ذراع انسان، یعنی فرشته.
- 18 و بنای دیوار آن از یشم بود و شهر از زر خالص چون شیشه مصقّی بود.

- 19 و بنیاد دیوار شهر به هر نوع جواهر گرانبها مزین بود که بنیاد اول، یشمو دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم، زمرد
- 20 و پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق و هفتم، زبرجد و هشتم، زمرد سیلخی و نهم، طویاز و دهم، عقیق اخضر و یازدهم، آسمانجونی و دوازدهم، یاقوت بود.
- 21 و دوازده دروازه، دوازده مروارید بود، هر دروازه از یک مروارید و شارع عام شهر، از زر خالص چون شیشه شفاف.
- 22 و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره قدس آن است.
- 23 و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می‌سازد و چراغش بره است.
- 24 و امت‌ها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان، جلال و اکرام خود را به آن خواهند درآورد.
- 25 و دروازه‌هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود.
- 26 و جلال و عزت امت‌ها را به آن داخل خواهند ساخت.
- 27 و چیزی ناپاک یا کسی که مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.